

منطق

قدم اول

نویسنده: دان کرایان و شارون شاتیل

طراح: بیل می بلین

مترجم: ابراهیم اسکافی



منطق چیست؟

در حین گفت‌وگو هیچ چیز طبیعی‌تر از این نیست که استدلال کنیم. سعی می‌کنیم کسی را که با وی گفت‌وگو می‌کنیم، متقاعد سازیم که حق با ماست، یعنی نتایجی که می‌گیریم از همان چیزهایی استنباط شده است که او قبول دارد. مشکل زمانی پیش می‌آید که نتوانیم نشان دهیم چیزی از چیز دیگری استنباط می‌شود. اغلب گفت‌وگوها دست آخر به این‌جا می‌رسد که این استدلال‌ها قانع‌کننده نیست.

تمام دارایی‌ها
دزدی هستند.

بنابراین
تمام اموال دزدی،
دارایی هستند.

پس این
مرواریدها مال
من است.

بدیهی است که این حرف یاوه است، زیرا صدق نتیجه، ارتباطی با صدق ادعاهای مقدمه آن ندارد. آنچه باید از آن اطمینان حاصل کنیم این است که استدلال ارائه شده، صدق ادعاهای مقدمه را تصدیق می‌کند. منطق به طور خیلی ساده، مطالعه استدلال‌های ضامن حقیقت است.

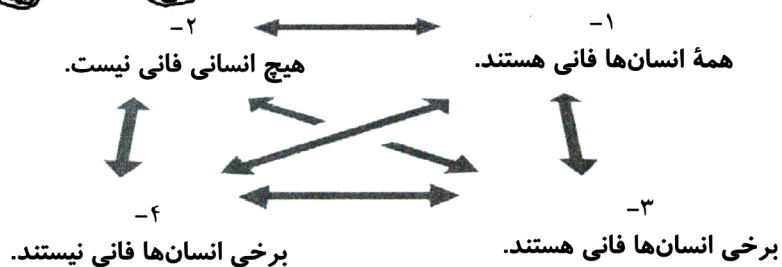


مربع تضادها

ارسطو دریافت که صدق برخی گزاره‌های
حملی (موضوع-محمول) بر صدق دیگر
گزاره‌های حملی تأثیر می‌گذارد.

گزاره‌های زیر روابط
مشخصی با یکدیگر دارند.

من این را **مربع تضادها**
می‌نامم.



گزاره‌های ۱ و ۲ هر دو با هم نمی‌توانند صادق باشند.

به گزاره‌های ۱ و ۴ متناقض می‌گوییم. در صورتی که انسان‌هایی وجود داشته باشند، یکی از آن گزاره‌ها باید صادق باشد، اما هرگز هر دو نمی‌توانند صادق باشند. صدق یکی از آن‌ها تضمین‌کننده کذب بودن دیگری است.

دو گزاره ۲ و ۳ هم به همین صورت هستند.

گزاره ۱ و ۳ هر دو نمی‌توانند کذب باشند، اما هر دو می‌توانند صادق باشند. اگر ۱ صادق باشد آنگاه ۳ هم صادق است، اما برعکس آن صادق نیست.

۲ و ۴ هم به همین صورت هستند. رابطه مشابهی بین «همه انسان‌ها فانی هستند» و «سقراط فانی است» برقرار است.

ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م)، فیلسوف بزرگ یونان، اولین کسی بود که ما را به فکر تدوین ابزاری (ارگانون) انداخت برای استدلال کردن به شیوه‌ی مجاب‌کننده. درس‌های او از یک سو دربردارنده‌ی دستور زبان، فن بلاغت و نظریه‌ی تفسیر است و از سوی دیگر منطق. نخستین کاری که ارسطو کرد بحث در مورد جملات بود.

گزاره‌ها بر سه گونه‌اند:

۱- ساده: سقراط انسان است.

۲- عام: هر انسانی فانی است.

۳- جزئی: برخی انسان‌ها فانی هستند.

در هر یک از این گونه
گزاره‌ها می‌گوییم که چیزی
یا برخی چیزها به گونه‌ای
خاص هستند.

ارسطو چیزهایی را که درباره‌ی آن‌ها صحبت می‌کنیم (برای مثال اسم‌هایی نظیر «سقراط» و «میزها»؛ اسم‌های معنا نظیر «قدم زدن» و ضمائر نظیر «کسی» و «هر کس») موضوع گزاره می‌نامد.

ارسطو آنچه را درباره‌ی موضوع گزاره می‌گوییم (برای مثال افعالی نظیر «دارم می‌خورم» و «افتاده است»؛ صفاتی نظیر «دشوار» و اسم‌هایی نظیر «انسان» در گزاره‌هایی شبیه «سقراط انسان است») محمول می‌نامد.

